



نگاهی متفاوت به یک کتاب پرفروش این روزهای بازار نشر

## خردمند یا شعبده‌باز؟

مهدی خاتعلی‌زاده  
روزنامه‌نگار

«یک نویسنده خدانا باور ساکن در سرزمین‌های اشغالی»؛ این ترکیب عجیب شاید یکی از دلایل اصلی جلب توجه کتاب «انسان خردمند» باشد؛ کتابی حجیم که به روایت تاریخ

زندگی انسان می‌پردازد و قاعدتا نباید برای مخاطب عام جذابیت داشته باشد، اما حالا در بازار کتاب ایران و به لطف تبلیغات گسترده دهان به دهان، به چاپ‌های بالا رسیده و تبدیل به پای ثابت عکس‌های اینستاگرامی برای نمایش کتاب‌خوانی شده است.

یوال نوح هراری، نویسنده این کتاب، تحصیلات جدی آکادمیک در حوزه تاریخ دارد و از جمله نویسندگان پُرکار هم محسوب می‌شود که همین الان در بازار کتاب ایران، سه کتاب از او به صورت همزمان ترجمه شده که به لطف توصیه‌های «بیل گیتس». برای کتاب «بیس‌ت و یک درس برای قرن بیست و یکم». و نقدهای اینترنتی روان‌شناسانه. برای کتاب «انسان خداگونه» همه آنها پرفروش هستند، اما یکی از آنها این روزها جایگاه ویژه‌ای در ویرترین کتابفروشی‌ها دارد و دو ترجمه جدی از آن وجود دارد؛ یکی با عنوان «انسان خردمند» و دیگری با عنوان «سایپینس» که البته ترجمه نخست به دلیل روان بودن و پانویست‌های بسیار دقیق مترجم، با اقبال بیشتری روبه‌رو شده است.

انسان خردمند کتاب جذابی است. همین جمله کوتاه شاید بهترین تعریف و در عین حال، بهترین نقد برای این کتاب پرفروش باشد که البته خودش نیاز به توضیح بیشتر و تفصیلی دارد.

### چرا «کتاب جذابی است» یک ویژگی مثبت است؟

پاسخ به این سؤال را باید در محتوای این کتاب جست‌وجو کرد. یوال نوح هراری در بخش اعظمی از کتاب خود تلاش کرده تا تحلیل‌های شخصی‌اش را در قالب دستاوردهای علمی و تاریخی مطرح کند و به مخاطب بقبولاند که حرف و تحلیل شخصی او عینا همان دستاوردهای دقیق علمی و تاریخی است. فارغ از صحت ادعاهای علمی نویسنده در کتاب (که بخش بسیار زیادی از آنها با استدلال‌های موازی رد شده‌اند و اساسا در حوزه زیست‌شناسی و تاریخ مولکولی، هیچ حرفی به یقین زده نمی‌شود و همه چیز براساس حدس و گمان است)، این‌که هراری بلافاصله پس از بیان چگونگی شکل‌گیری زبان و خط در میان بشر از روایت تاریخی، سراغ تحلیل شخصی خود از دین می‌رود و آن را یک توهم که حاصل اراده مدیریتی انسان است، معرفی می‌کند، حسابی توی ذوق می‌زند.

از سوی دیگر، استفاده مکرر از عبارت «تصادفی» در این کتاب حقیقتا «حوصله سر بر» است. چرا انسان به وجود آمد؟

تصادفی! چرا قاره استرالیا جدا از بقیه قاره‌هاست؟ تصادفی! چرا زبان اختراع شد؟ تصادفی! چرا مسیحیت تبدیل به دین اصلی قرون وسطی شد؟ تصادفی! چرا دایناسورها از بین رفتند؟ تصادفی! این حجم از ساده‌انگاری، که البته برگرفته از داروینیسم است - به شدت به وجهه علمی‌نمایانه کتاب آسیب زده و باندکی تیزبینی از سوی خواننده، انسان خردمند در جایگاه یک مقاله ادبی که براساس ذوق نویسنده نگارش شده، ارزیابی می‌شود تا یک کتاب تاریخی مبتنی بر اصول نگارش علمی.

با این حال، قلم قدرتمند نویسنده توانسته مانند یک چسب قوی در سراسر کتاب جریان داشته باشد و همه این تناقضات و ساده‌انگاری‌ها و حتی ایرادات و غلط‌ها را در کنار یکدیگر تبدیل به یک متن خواندنی و منسجم کند که حتی مخاطب عام هم می‌تواند مانند یک داستان شیرین آن را بخواند و از مطالب طرح شده در آن لذت ببرد. پس انسان خردمند، کتاب جذابی است که توانسته ایراداتش را از چشم خواننده پنهان کند و زیبایی‌هایش را به نمایش بگذارد.

این، اصلی‌ترین دستاورد هراری در انسان خردمند است؛ کتابی معمولی که به دلیل نحوه نگارش آن تبدیل به یک کتاب جذاب شده است.

### چرا «کتاب جذاب است» یک ویژگی منفی است؟

انسان خردمند بیشتر از چیزی که هست، خودش را در معرض نمایش می‌گذارد؛ یعنی اگر - همان‌طور که در پاراگراف‌های ابتدایی متن نوشتیم - کتاب جذاب است، با شعبده‌بازی خودش را یک کتاب محشر و تاریخ‌ساز معرفی می‌کند که تاریخ تاریخی‌نگاری از بشر را به قبل و بعد از خود تقسیم کرده است؛ در حالی که اصلا این‌طور نیست.

هراری در کتاب خودش به جمع‌آوری تمام چیزهایی پرداخته که پیش از این هم بارها گفته شده‌اند و در واقع انسان خردمند چیز جدیدی برای ارائه به مخاطب ندارد؛ نه دستاورد جدید پژوهشی در کار است و نه حتی یافته‌های نویی براساس پژوهش‌های نویسنده در کتاب آمده است. بازخوانی و جمع‌آوری یکجای آن چیزی که در چند صد سال اخیر توسط مورخان و نویسندگان متعدد نوشته و گفته شده، تنها دستاورد آقای نویسنده است.

برای اثبات این مدعا می‌توانید چند جلد از «تاریخ تمدن» ویل دورانت را ورق بزنید و در کنارش، عناوین مجموعه «تاریخ جهان» نشر ققنوس را مرور کنید و البته اندکی هم چاشنی داروینیسم و علم زیست‌شناسی به معلومات‌تان اضافه کنید. خب؛ تبریک می‌گویم، شما الان می‌توانید یک جلد کتاب درباره «تاریخ مختصر بشر» بنویسید! این توصیف شاید اندکی اغراق‌آمیز باشد، اما وقتی یک کتاب خودش را چیزی بیشتر از آن چیزی که هست، ارائه می‌کند و در این راه از هیچ اغراقی برای دلبری و عشوه‌گری دریغ نمی‌کند، چرا ما نباید در نقد این رویکرد اغراق کنیم؟

انسان خردمند صرفا «یک کتاب جذاب» است؛ به همین سادگی. اگر تا حالا به دلیل توصیه‌های اینستاگرامی و تعریف‌های فلان آقا و خانم نویسنده و حتی معرفی فلان سیاستمدار، علاقه داشتید تا این کتاب را بخرید و بخوانید، بهتر است دست نگه دارید. کمی در اینترنت جست‌وجو کنید؛ محدودیت‌های زمانی و مطالعاتی شخصی خودتان را در نظر بگیرید و اگر در پایان تصمیم گرفتید که یک کتاب حجیم حدودا ۶۰۰ صفحه‌ای را با قیمتی حدود ۷۰ هزار تومان تهیه کنید تا به روایتی قصه‌گونه از تاریخ بشر و چیزهایی که بخش اعظم آنها را می‌دانستید دست پیدا کنید، آن وقت به سراغ انسان خردمند بروید. ❗



انسان خردمند بیشتر از چیزی که هست خودش را در معرض نمایش می‌گذارد؛ یعنی اگر کتاب خوبی است با شعبده‌بازی خودش را یک کتاب محشر و تاریخ‌ساز معرفی می‌کند